



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در بحث امر به معروف و نهی از منکر بالاخره شارع مقدس منظورش این است که فضای زندگی مسلمانان طوری باشد که معروف ها و ارزش ها همگی عملی و مراعات بشوند و منکرها و ضد ارزش ها نیز همگی متروک باشند زیرا فضای زندگی در روح و ذهن و فکر انسان تاثیر زیادی دارد، روایتی در همین موضوع می خوانیم که در باب ۴ از ابواب امر و نهی وسائل الشیعة ذکر شده است و عنوان باب این است: «وجوب انکار العامة على الخاصة وتغيير المنکر إذا عملوا به»، خبر این است: ﴿مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي (الْعَلَلِ) عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ مَسْعُودَةَ بْنِ صَدَقَةَ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ لَا يَعْذِبُ الْعَامَّةَ بِذَنْبِ الْخَاصَّةِ إِذَا عَمِلَتْ الْخَاصَّةُ بِالْمُنْكَرِ سِرًّا مِنْ غَيْرِ أَنْ تَعْلَمَ الْعَامَّةُ، فَإِذَا عَمِلَتْ الْخَاصَّةُ بِالْمُنْكَرِ جَهَارًا فَلَمْ تَغْيِرْ ذَلِكَ الْعَامَّةُ اسْتَوْجِبَ الْفَرِيقَانِ الْعُقُوبَةَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَفِي﴾^۱.

فقهائ ما این بحث را مطرح کردند که آیا امر به معروف و نهی از منکر واجب عینی است یا کفائی؟ اختلافوا علی فرقتین؛ عده ای مثل سید مرتضی فرمودند واجب عینی است و عده ای مثل شیخ طوسی فرمودند واجب کفائی می باشد، البته اصل در وجوب عینیت است و ظاهر آیات و روایات نیز بر عینیت دلالت دارند یعنی همه افراد انسان در حد امکان خودش موظف است با منکرات مبارزه کند و امر به معروف کند، اما عده ای

گفتند واجب کفائی است یعنی چونکه غرض شارع معلوم است اگر آن غرض به قیام بعضی حاصل شد از بقیه ساقط می شود مانند احکام اموات.

علامه در منتهی اینطور فرموده: «مسألة: و اختلف

علماؤنا في وجوبهما على الأعيان أو على الكفاية؟ فقال السيد المرتضى - رحمه الله -: إنهما واجبان على الكفاية.

و قال الشيخ أبو جعفر - رحمه الله -: إنهما واجبان على الأعيان.

و الأول: عندي أقوى.

لنا: أن الغرض منهما وقوع المعروف و ارتفاع المنكر، فمقي حصلا بفعل واحد، كان الأمر لغيره بهما عبث»^۲.

علامه در تذکره می فرماید: «مسألة ۲۶۲: اختلف علماؤنا في وجوبهما على الأعيان أو على الكفاية؟ فقال السيد المرتضى: إنهما على الكفاية.

وقال الشيخ: إنهما على الأعيان، لقوله (عليه السلام): " لتأمرن بالمعروف ولتنهين عن المنكر " وهو عام.

ونقول بموجبه، فإن الواجب على الكفاية يخاطب به الكل، ويسقط بفعل البعض.

احتج السيد: بأن الغرض وقوع المعروف وارتفاع المنكر، فمقي حصلا صار التعاطي لهما عبثا»^۳.

فقهائ ما به همین مقدار که امر به معروف و نهی از منکر واجب کفائی است یا واجب عینی اکتفاء کرده اند ولی ما عرض کردیم که باید به سراغ اخبار اهل بیت علیهم السلام که منشأ این فتاوی هستند برویم، در اخبار اهل بیت علیهم السلام ما دو جور منکر و دو

^۱ منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، علامه حلی، ج ۱۵، ص ۲۳۸، ط جدید.

^۲ تذکرة الفقهاء، علامه حلی، ج ۹، ص ۴۴۲، مسئله ۲۶۲.

^۱ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۱، ص ۴۰۷، ابواب امر و نهی، باب ۴، حدیث ۱، ط الإسلامية.

صلی الله علیه وآله وسلم: حسبك أن تأمرهم بما تأمر به نفسك، وتنهاهم عما تنهى عنه نفسك ﴿﴾.

در این خبر دیگر بحث واجب کفائی و عینی مطرح نیست بلکه به طور خاص برای شخص خاصی واجب شده بنابراین ما در دو سطح عام و خاص باید در این مسئله بحث کنیم.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی
مُحَمَّد و آلِه الطاهِرین

جور معروف می بینیم، بعضی معروف ها و منکرات هستند که بر عموم واجب اند و همه موظف اند که در حد قدرت خودشان به آنها امر کنند مانند نماز و روزه و صداقت و امانت و درستی و پاکی و منکراتی مثل ظلم و ربا، اما در روایات ما مسائلی به طور خاص مطرح شده که فقهاء ما به آنها اشاره ای نکرده اند مثلاً بیان شده که بر رئیس خانواده واجب است که اهل خودش را امر به معروف و نهی از منکر کند و یا مثلاً در مورد علماء ذکر شده: «إذا ظهرت البدع في امتي فعلى العالم أن يظهر علمه و إلا فعليه لعنة الله» و یا مثلاً در مورد ریش سفید ها و بزرگان هر قومی به طور خاص ذکر شده که موظف به امر به معروف و نهی از منکر هستند بنابراین ما در دو سطح باید بحث کنیم؛ یکی معروف و منکر عام که وظیفه عمومی و همگانی در مورد آنها وجود دارد و دیگر اینکه اشخاص خاصی مسئولیت و وظیفه خاصی در مورد امر به معروف و نهی از منکر دارند که اگر آنها تخلف کنند خداوند متعال دیگران را عذاب نمی کند که این قسمت دیگر در کلمات فقهاء وجود ندارد.

به عنوان نمونه یک طائفه را بیان می کنیم و آن سرپرست و مسئول خانواده است که صاحب وسائل در باب ۹ از ابواب امر و نهی روایاتی را در این رابطه بیان کرده است و عنوان باب این است: «وجوب أمر الأهلين بالمعروف ونهيهم عن المنكر»، خبر اول از این باب این خبر است: ﴿مُحَمَّد بن يعقوب، عن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن إسماعيل عن محمد بن عذافر، عن إسحاق بن عمار، عن عبد الأعلى مولى آل سام، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: لما نزلت هذه الآية: " يا أيها الذين آمنوا قوا أنفسكم وأهليكم نارا " جلس رجل من المسلمين يبكي، وقال: أنا عجزت عن نفسي، كلفت أهلي فقال رسول الله